



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی ذهن و زبان غزل حسین منزوی

استاد راهنما:

دکتر محمد علی زهرازاده

استاد مشاور:

دکتر محمد علی محمودی

نگارش:

خدیجه مرادی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

شهر یور ۹۰

پیشکش به:

روان پاک پدرم

نگاه مهربان مادرم

فداکاری برادرانم که در این مسیر همراهم بودند.

## سپاسگزاری

از لطف بیکران و حضور سبز خداوند بلند مرتبه که لحظه لحظه‌ی زندگی ام را معنا بخشید و یاری فرمود تا کار پایان نامه با موفقیت انجام پذیرد سپاسگزارم.

و در نیمه راه روشن علم و زندگی به حکم ادب بر خود لازم می دانم تا از راهنمایی و مساعدت اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر محمدعلی زهرازاده راهنما و دکتر محمدعلی محمودی که قطره نوش دریای علم و معرفتشان بوده ام و به حق در کار پایان نامه مساعدت نموده تقدیر نمایم.

و از خانواده‌ی عزیزم که همراهان همیشگی و مشوقان راستین من در مسیر کسب علم بوده، سپاسگزارم.

واز تمام دوستان و عزیزان و قلب‌ها و اندیشه‌هایی که مرا در این مسیر یاری نموده اند صمیمانه تشکر می نمایم.

## چکیده

شعر کلامی است با بیانی تخیلی و عاطفی. غزل نو از شاخه های مهم شعر معاصر محسوب می شود که به موازات شعر نو رشد چشمگیری یافته است. حسین منزوی یکی از برجسته ترین غزل پردازان معاصر است. در این نوشته، ذهن و زبان غزل منزوی مورد بررسی قرار گرفته که از برجسته ترین ویژگی های غزل او عنصر عاطفه و موسیقی است.

این پژوهش در شش فصل تنظیم شده است. در فصل نخست کلیات پژوهش، فصل دوم مهم ترین درونمایه ها و مضامین غزل او بررسی شده است. فصل سوم، اختصاص به بررسی صور برجسته ی خیال در شعر او و میزان و چگونگی به کارگیری آنها دارد. در فصل چهارم زبان شعری او مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم به موسیقی شعر نگاهی دارد. در فصل ششم هم به بررسی میزان انسجام اشعار او که همان شکل شعراست، پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** غزل، ذهن و زبان، حسین منزوی.

## فصل اول: کلیات

۱-۱	مقدمه.....	۲
۲-۱	تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق.....	۴
۳-۱	پیشینه تحقیق.....	۵
۴-۱	فرضیه ها.....	۵
۵-۱	ضرورت پژوهش و اهداف آن.....	۵
۶-۱	کاربرد نتیجه ی پژوهش.....	۵
۷-۱	روش انجام تحقیق.....	۵
۸-۱	زندگی و آثار.....	۶

## فصل دوم: عاطفه

۱-۲	عاطفه.....	۱۳
۲-۲	درونمایه و مضامین شکل دهنده ی غزل های منزوی.....	۱۳
۲-۲-۱	مضامین عاشقانه.....	۱۴
۲-۲-۲	مضامین سیاسی - اجتماع.....	۲۰
۲-۲-۳	مضامین مذهبی.....	۲۵
۲-۲-۳-۱	مدح ائمه ی اطهار.....	۲۵
۲-۲-۳-۲	دین ستیزی.....	۲۶
۲-۲-۴	توصیف.....	۲۷

## فصل سوم: تخیل

۱-۳	تخیل.....	۳۱
۲-۳	تشبیه.....	۳۲

۳۲	.....۱-تشبیهات سنتی.....۲-۳
۳۳	.....۲-تشبیهات جدید.....۲-۳
۳۴	.....۳-تشبیهات گسترده.....۲-۳
۳۵	.....۴-تشبیهات فشرده.....۲-۳
۳۵	.....۱-مشبه و مشبه به محسوس.....۴-۲-۳
۳۷	.....۲-مشبه معقول و مشبه به محسوس.....۴-۲-۳
۳۹	.....۳-استعاره.....۳-۳
۴۰	.....۱-استعاره‌ی مصرحه.....۳-۳
۴۱	.....۲-استعاره‌ی مکنیه.....۳-۳
۴۲	.....۴-تشخیص.....۳-۳
۴۴	.....۵-نماد.....۳-۳
۴۴	.....۱-نمادهای ابداعی یا شخصی.....۵-۳
۴۵	.....۲-نمادهای مرسوم و شناخته شده.....۵-۳
۴۵	.....۱-عناصر طبیعی.....۲-۵-۳
۴۶	.....۲-شخصیت ها و حوادث اسطوره ای، تاریخی و افسانه ای.....۲-۵-۳
۴۸	.....۶-کنایه.....۳-۳
۴۹	.....۷-حس آمیزی.....۳-۳
۵۱	.....۸-عناصر سازنده‌ی صورخیال.....۳-۳
۵۱	.....۱-طبیعت.....۸-۳
۵۳	.....۲-اسطوره ها.....۸-۳
۵۳	.....۱-اسطوره های حماسی و قهرمانی.....۲-۸-۳
۵۵	.....۳-حیوانات و پرندگان.....۸-۳
۵۶	.....۴-اعضا و جوارح، افعال و روحيات انسان.....۸-۳

۵۶	.....۵-۸-۳ امور غیر حسی
۵۷	.....۹-۳ محور عمودی خیال
<b>فصل چهارم: زبان</b>	
۶۱	.....۱-۴ زبان
۶۲	.....۲-۴ دایره‌ی واژگان
۶۲	.....۲-۴-۱ واژگان امروزی
۶۳	.....۲-۴-۲ واژگان کهن
۶۴	.....۳-۲-۴ ترکیبات
۶۵	.....۳-۴ ویژگی‌های فعل
۶۵	.....۳-۴-۱ فعل‌های امروزی
۶۹	.....۳-۴-۲ فعل‌های قدیمی
۶۹	.....۲-۳-۴-۱ فعل‌های ساده
۶۹	.....۲-۳-۴-۲ فعل‌های مرکب
۷۰	.....۳-۴-۳-۲ فعل‌های پیشوندی
۷۰	.....۴-۲-۳-۴ عبارت‌های فعلی
۷۳	.....۴-۴ کاربرد قیود کهن
۷۳	.....۴-۴-۱ استفاده از قیود و ادوات تشبیه قدیمی
۷۳	.....۴-۴-۲ قیود یا ادوات شک و تردید
۷۴	.....۴-۴-۳ قیود و حرف ربط‌های مرکب
۷۵	.....۵-۴ تخفیف در کلمات
۷۶	.....۴-۴-۶ کاربرد «الف» در آخر اسم یا اسم مصدر برای تعظیم و تفضیم و تعجب
۷۶	.....۷-۴ شناخت کلمه و واژه‌گزینی
۷۷	.....۷-۴-۱ ایجاد فضای روحی مناسب با جو عاطفی شعر

۷۸	.....۲-۷-۴ ایجاد تناسب صوتی و موسیقی شعر.....
۷۸	.....۸-۴ کاربرد ضرب المثل های رایج.....
	<b>فصل پنجم موسیقی شعر.</b>
۸۱	.....۱-۵ موسیقی شعر.....
۸۱	.....۲-۵ بررسی عناصر موسیقی درغزل های منزوی.....
۸۱	.....۱-۲-۵ بخش اول: موسیقی بیرونی.....
۸۱	.....۱-۲-۵ وزن.....
۸۲	.....۱-۲-۵-۱-۱ اوزان و محور غزل ها.....
۸۷	.....۱-۲-۵-۱-۲ اوزان ابتکاری منزوی.....
۹۱	.....۱-۲-۵-۳ هماهنگی وزن و محتوا.....
۹۵	.....۲-۲-۵ بخش دوم: موسیقی کناری.....
۹۵	.....۱-۲-۲-۵ قافیه.....
۹۹	.....۱-۲-۲-۵ ردالقافیه.....
۱۰۰	.....۲-۲-۲-۵ ردیف.....
۱۰۱	.....۱-۲-۲-۲-۵ ردیف فعلی.....
۱۰۲	.....۲-۲-۲-۲-۵ ردیف اسمی.....
۱۰۲	.....۳-۲-۲-۲-۵ ردیف حرفی.....
۱۰۳	.....۴-۲-۲-۲-۵ ردیف عبارتی.....
۱۰۳	.....۳-۲-۳-۲-۵ موسیقی درونی.....
۱۰۳	.....۱-۳-۲-۳-۵ تکرار.....
۱۰۵	.....۲-۳-۲-۳-۵ واج آرایی.....
۱۰۷	.....۳-۳-۲-۳-۵ سجع.....
۱۰۹	.....۴-۳-۲-۳-۵ جناس.....



۱۰۹	.....	۴-۲-۵ بخش چهارم: موسیقی معنوی
۱۱۰	.....	۱-۴-۲-۵ مراعات نظیر
۱۱۰	.....	۲-۴-۲-۵ الف و نشر
۱۱۱	.....	۳-۴-۲-۵ تلمیح
۱۱۱	.....	۱-۳-۴-۲-۵ تلمیحات دینی
۱۱۷	.....	۲-۳-۴-۲-۵ تلمیحات غنایی
۱۱۸	.....	۳-۳-۴-۲-۵ تلمیحات ادبی با ترتیب تاریخی
۱۱۹	.....	۴-۳-۴-۲-۵ تلمیحات عرفانی
۱۲۰	.....	۵-۳-۴-۲-۵ تلمیحات فلسفی
۱۲۰	.....	۶-۳-۴-۲-۵ تلمیح به داستان ها و افسانه های عامیانه

#### فصل ششم: ساختمان شعر

۱۲۳	.....	۱-۶ ساخت شعر حسین منزوی
۱۲۹	.....	نتیجه گیری
۱۳۲	.....	فهرست منابع

## فصل اول

### کلیّات

## ۱-۱- مقدمه

آثار ادبی برای انتقال معانی، زبان خاص خود را دارند چرا که نگرش یک اثر ادبی به دنیای پیرامون، نسبت به اثر غیر ادبی، نگرشی متفاوت است؛ نگرشی احساسی و تخیلی. یک هنرمند برای بیان آن چه در ضمیر خود دارد ناگزیر زبانی را برمی‌گزیند که با قواعد متعارف زبان متفاوت باشد تا بتواند رسالت خود را که القای معانی در زیباترین شکل ممکن است، به نیکویی به انجام رساند. «در باب شعر و آفرینش‌های شاعرانه، هر بحثی کرده شود خواه جزئی و خواه کلی، به یک تعبیر نقد است (نقد شعر یا نقد ادبی). خود شاعر هم وقتی در شعر خویش الفاظ و معانی را سبک سنگین می‌کند، وقتی کار خود را مرور و اصلاح می‌کند، وقتی در باب شیوه‌ی کار یا هدف و ذوق خویش سخن می‌گوید دیگر شاعر نیست منتقد است و کاری که می‌کند نقد است. بنابراین نقد - نقد شعر - با شعر و شاعری سرمویی بیش فاصله ندارد و هیچ چیز به اندازه آن به شعر نزدیک نیست.» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۷)

«به عبارتی نقد ادبی، هنر مطالعه در سبک‌ها و تشخیص آنهاست و یکی از آفاق تفکر انسانی است که ادبیات را پیش روی دارد و هدف آن، شناخت و کشف ویژگی‌های ادبی و پیوند ادبیات با دیگر فعالیت‌های انسانی است.» (عدنان، ۱۳۷۶: ۱)

حتی اگر نقد ادبی به عنوان یک علم یا یک شیوه‌ی خاص مطرح باشد، پایه و اساس آن چیزی نیست جز ذوق و سلیقه‌ی شخصی. هر انسان صاحب ذوقی از زیبایی لذت می‌برد و فرقی نمی‌کند که این زیبایی، دیداری باشد یا شنیداری اما بی‌شک هر اثر هنری هر چند زیبا، معایبی نیز خواهد داشت و منتقد بر آن است که علاوه بر شناساندن محاسن یک اثر به خواننده، معایب آن را نیز پیدا کرده و در رفع آن به پدیدآورنده‌ی اثر کمک کند.

شیوه‌های نقد ادبی با توجه به تعاریف مختلف از شعر متفاوت است و هر کسی برداشت و شیوه‌ی خاصی در این زمینه دارد. «در نظر سقراط، غایت و هدف فنونی مانند شعر، ایجاد لذت و خوشایندی است.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۶۶)

شفیعی کدکنی در آغاز کتاب موسیقی شعر خود، می‌گوید: «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳) او شعر را گره خوردگی عاطفه و تخیل می‌داند که در زبانی آهنگین شکل گرفته است.

بنابراین با توجه به تعاریف فوق و مهم‌تر از همه تعریف اخیر، می‌توان یک شعر را با محوریت عناصری چون عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و شکل، مورد بررسی قرار داد.

پژوهش حاضر در شش فصل تنظیم شده است که در زیر به هر کدام از عناصر مورد بررسی در این پژوهش نگاهی خواهیم خواهم داشت:

۱- **عاطفه:** این عنصر در واقع همان میزان تاثیر پذیری شخص از مسائل مختلف است. هر عاطفه‌ای با انگیزه و پیامی همراه است چنانکه هر معنی و پیامی نیز می‌تواند انگیزه‌ی عاطفه‌ای باشد.

«به طور کلی انفعال‌های نفسانی از قبیل: اندوه، شادی، یأس، امید و خشم، حیرت و اعجابی است که انگیزه‌های عینی و یا واقعیت‌های مادی و معنوی در ذهن شاعر ایجاد می‌کند و او را درگیر حادثه‌های ذهنی می‌سازد، از عناصر مهم شعراست که در نقد شعر نمی‌توان از بررسی و ارزیابی آن چشم پوشید.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۸۲).

۲- **تخیل:** تخیل و صورت‌های مختلف خیال یکی از برجسته‌ترین عناصر آشنایی زدایی در زبان شعر است. به عبارت دیگر اساس آفرینش هنری است. نیروی خیال «در ساده‌ترین شکل آن تصویری است که به کمک کلمات ساخته شده است؛ یک توصیف، یک استعاره، یک تشبیه و ...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۹)

۳- **زبان:** نحوه‌ی بیان یک شاعر که به گونه‌ای سبک او را نیز مشخص می‌کند، زبان شعری وی را شکل می‌بخشد. این زبان ویژگی‌های خاصی از جمله انعطاف پذیری و جابجایی از نظر نحو و اجزای جمله را دارا می‌باشد.

۴- **موسیقی:** دکتر شفیعی کدکنی، می‌گوید: «هیچ ملّتی را نمی‌شناسیم که از موسیقی بی‌بهره باشد پس باید بپذیریم که موسیقی پدیده‌ای در فطرت آدمی است. عواملی که آدمی را به جستجوی موسیقی کشانده است، همان کشش‌هایی است که او را وادار به گفتن شعر می‌کرده است و پیوند این دو سخت استوار است زیرا شعر در حقیقت موسیقی کلمه‌ها و لفظ‌هاست و غنا موسیقی الحان و آهنگ‌ها و بیهوده نیست اگر ارسطو شعر را زاییده‌ی دو نیرو می‌داند که یکی غریزه‌ی محاکات است و دیگری خاصیت درک وزن و آهنگ.» (کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۴) پس موسیقی آهنگی است که شاعر با توجه به محتوای شعرش بر می‌گزیند، به عبارتی وزن، طنین عاطفه است.

۵- **شکل:** شکل شعر، سازش میان صورت و معنی، به عبارتی نحوه‌ی پیوند منسجم اجزا و عناصر شعر را نشان می‌دهد.

در مورد عناصر سازنده‌ی شعر، کتب جامعی نگاشته شده است که از آن میان می‌توان به کتاب موسیقی شعر شفیعی کدکنی و سفر در مه تقی پور نامداریان اشاره کرد.

هر کدام از این عناصر در کنار دیگری نقش عمده در کمال و زیبایی یک شعر ایفا می کنند؛ اگر عاطفه، معنای حقیقی شعر است، بدون حضور تخیل به مرحله ی شعر نخواهد رسید و اگر تخیل، محور سازنده ی آن است، فقدان زبانی پخته و آهنگی مناسب، مایه ی نقصان آن خواهد بود.

هر شاعری با توجه به محیط زندگی، اندیشه و تجربه های شخصی خویش، تخیل، عاطفه و زبانی خاص خود دارد که در ساخت نهایی منجر به ایجاد اثری متفاوت و سبکی خاص از طرف وی می گردد.

در این پژوهش به بررسی ذهن و زبان شعر حسین منزوی از شاعر معاصر ایران زمین می پردازیم که از دیر باز در راه ترقی فرهنگ و ادب فارسی تلاش های فراوانی کرد؛ منزوی، شاعری خویش قریحه و زیباسخن، سنت گرایي نوپرداز که در دنیای غزل کهن رستخیزی پیا کرده ادب غنایی این مرز و بوم را مرهون لطف و ذوق و تلاش های خود کرده است. روی هم رفته او شاعری است که همواره دغدغه ی ایران، آزادی و عشق در شعرش موج می زند.

با توجه به تعریف مشهور و جدید از شعر و با الگوگیری از کتاب سفر درمه دکتر پورنامداریان، عناصر سازنده ی شعر حسین منزوی و شیوه ی او مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ۱-۲ تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

ذهن مربوط است به اندیشه هایی که شاعر در شعر خود بیان می کند و زبان نیز از سویی به تصویرها پیوند می خورد و از سوی دیگر مربوط به ابداع واژگان و ترکیبات تازه است. در این پژوهش به بررسی ذهن و زبان غزل منزوی پرداخته شده است.

۱- عنصر مسلط شعر حسین منزوی چیست؟

۲- تأثیر جامعه در مضمون پردازی های او چگونه است؟

۳- آیا منزوی در شعر خود دست به ابتکار و نو آوری زده است؟

۴- آیا منزوی در اشعارش از واژگان عامیانه استفاده کرده است؟

۵- منزوی از کدام یک از صور خیال در شعرش به صورت گسترده استفاده کرده است؟

### ۱-۳ پیشینه‌ی تحقیق

تا جایی که جستجو کرده ام پژوهشی به این گستردگی در مورد غزل های حسین منزوی صورت نگرفته است هر چند که مقاله های بسیاری از حسین منزوی و شعر او سخن گفته اند.

#### ۱-۴ فرضیه ها:

۱- عاطفه یکی از عناصر مسلط شعر منزوی است

۲- اجتماع در شعر منزوی جایگاه چشمگیری دارد.

۳- منزوی در غزل به ابتکار و نو آوری دست زده است.

۴- منزوی در اشعارش به صورت گسترده از واژگان عامیانه بهره برده است.

۵- عنصر تشبیه در غزل های منزوی گسترده تر از دیگر عناصر است.

### ۱-۵ ضرورت پژوهش و اهداف آن

از آنجا که حسین منزوی از چهره های تاثیرگذار در غزل معاصر است، برای آشنایی بیشتر با شعر او و معرفی اش به جامعه ادبی ایران، در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

#### ۱-۶ کاربرد نتیجه ی پژوهش

برای استفاده ی دانشگاه ها و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی

### ۱-۷ روش انجام تحقیق:

شیوه ی انجام این تحقیق به روش کتابخانه ای می باشد و نگارنده با خواندن دقیق غزل ها و مراجعه به کتاب ها و مقاله های مختلف و یادداشت برداری از مطالب مهم آنها، به بررسی ذهن و زبان شعر شاعر پرداخته و در پایان از تحقیق انجام شده نتیجه گیری کرده است.

## ۸-۱ زندگی و آثار

« حسین منزوی فرزند محمد منزوی شاعر زنجانی است.» (شفق، ۱۳۷۷: ۸۳) او در اول مهر سال ۱۳۲۵ در شهر زنجان دیده به جهان گشود و به خاطر اینکه با شروع پاییز زاده شده بود همیشه خود را همزاد پاییز می نامید. وی در زادگاه خود نشو و نما یافت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را نیز در همان شهر به انجام رساند. (نقل به مضمون از: برقی، ۱۳۷۳، ج ۵: ۳۳۸۸).

مادرش با وجود اینکه سواد چندانی نداشت، هنر عجیبی در قصه گویی داشت. داستان امیر ارسلان و قصه های عامیانه ی دیگر، او از کودکی همدم منزوی بود. از آنجا که در جای جای اکثر این قصه های عامیانه و افسانه های محلی تک بیت هایی نیز وجود داشته، روح کودکانه ی منزوی نیز با شعر و قصه مانوس شد. بنابراین تاثیری که از مادرش پذیرفت به مراتب از تاثیرگذاری پدرش عمیق تر و ریشه دارتر بود. درست است که پدرش، محمد منزوی، خود شاعری بزرگ بود و بخصوص در شعر ترکی دستی داشت، اما حسین در سن دوازده سالگی برای اولین بار با شعر او آشنا شد. محمد منزوی علاوه بر اینکه در سرودن شعر کلاسیک شاعری قوی بود، در زمانی که شعر نو در ایران گناه محسوب می شد، او در یک شهرستان دور افتاده از طرفداران سرسخت شعر نو و نیمایی به شمار می رفت و به این خاطر حسین نیز از کودکی تصویر نیما را بر در و دیوار خانه ی خودشان دیده است. (نقل به مضمون از: نیرومند، ۱۳۴۷: ۱۴۰)

« حسین در سال ۱۳۳۲ وارد دبستان فردوسی زنجان، محل تدریس پدرش، شد و چهار سال را در این مدرسه گذراند. سپس دو سال در دبستان صائب تبریزی، دو سال دبیرستان پهلوی ( دکتر علی شریعتی کنونی)، چهار سال دبیرستان صدر جهان ( محمد منتظری کنونی ) درس خواند. آن گاه در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران شد. به گفته ی خودش، این مساله که مدارس ابتدایی او نام دو شاعر بزرگ را بر خود داشت، با سرنوشت شاعری وی بی ارتباط نبود؛ زیرا سرانجام کارش را به کلاس های درس دانشکده ی ادبیات در تهران کشاند. » ( کاظمی، ۱۳۸۸:

( ۲۸

منزوی به سرعت توانست که خود را در محافل ادبی تهران مطرح کند تا آنجا که مرحوم مهدی سهیلی که در سال ۱۳۴۵ برنامه ای را به نام «کاروان شعر و موسیقی» در رادیو اجرا می کرد، در یکی از برنامه هایش او را دعوت کرد، اتفاقاً در همان برنامه آقای دکتر باستانی پاریزی که استاد حسین هم بود، از او تعریف و تمجید کرد. ناگفته نماند که رابطه ی صمیمیت و دوستی آنها تا آخر نیز همچنان پایدار ماند. منزوی رشته ی زبان و ادبیات فارسی را ناتمام رها کرد و به رشته

ی جامعه شناسی روی آورد و پس از مدتی به علت مشکلات روحی تحصیلات خود را ناتمام گذاشت و به زادگاه خود برگشت. (نقل به مضمون از: کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۰)

« اما بعدها؛ یعنی سال ۱۳۵۸ واحدهای باقیمانده ی رشته ی ادبیات فارسی را گذراند و لیسانس گرفت در این ایام مهدی اخوان ثالث نیز یکی از استادان او بود. » (کاخی، ۱۳۷۰: ۱۳۷)

حسین به علت شرایط خاص روحی خود هرگز نتوانست شغل ثابتی پیدا کند. او مدتی مسوول صفحه ی شعر مجله ی رودکی شد و بعد از آن هفته ای دو روز در رادیو مجری برنامه ای به نام "یک شعر و یک شاعر" بود که هر بار به تحلیل شعری از شاعران بزرگ می پرداخت. بعد از آن مدتی برای مجله ی تماشا که وابسته به تلویزیون بود، مقاله می نوشت و گاهی نیز برای کسب درآمد، به ترانه سرایی می پرداخت و در اوایل انقلاب به خاطر جوّ خاص به وجود آمده مدتی بیکار ماند.

بعد از انقلاب، منزوی مدتی مسئولیت صفحه ی شعر مجله ی سروش را، که مرحوم پرویز خرسند سردبیر آن بود به عهده داشت. پس از برکناری خرسند، او نیز از سمت خود کناره گیری کرد. بعد از آن یک دوره ی کوتاه در فرهنگسرای نیاوران مشغول به کار بود و مدتی هم در کتابخانه ی حسینیه ی ارشاد کار می کرد.

حسین منزوی در سال ۱۳۶۳ در تهران به صورت خصوصی تدریس می کرد و بعد از آن مدتی با مرحوم مهدی اخوان ثالث در انتشارات انقلاب اسلامی که موسوی گرماردی رئیس آن بود، به عنوان ویراستار مشغول به کار شد، بعد از آن دیگر هیچ کار خاصی پیدا نکرد. (نقل به مضمون از: کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۳ ۳۴)

« منزوی در سال ۱۳۵۴ و در ۲۹ سالگی ازدواج کرد و دو سال بعد در سال ۱۳۵۶ به استقبال تنها فرزندش غزل شتافت.

او در سال ۱۳۶۰ از همسرش جدا شد. بعد از متارکه ی همسرش هرگز به طور جدی به فکر ازدواج نیفتاد مگر در سال های پایانی عمر خود که آن هم به خاطر اتفاقاتی چون بیماری و فوت پدر بی نتیجه ماند. » (کاظمی، ۱۳۸۸: ۲۸)

چنان که از اشعار منزوی بر می آید، همیشه عاشق بود و عشق قوی ترین عنصری است که محرک و عامل اصلی سرودن اغلب اشعار اوست. هر گاه که خللی در جریان عاشقی اش پیدا شده تاثیر مستقیمی نیز در شعرش گذاشته است.

منزوی در بیشتر قالب های فارسی چون نیمایی، سپید، چهار پاره، مثنوی، دو بیتی، غزل و ... طبع آزمایی کرده است، اما شهرت شاعری او در سرودن غزل است. بی شک او از بزرگ ترین و تاثیرگذارترین غزل پردازان معاصر است.



«حسین منزوی، با تمام شکوه و عظمتش، چون یک ستاره ی دنباله دار، سرانجام روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در سن ۵۸ سالگی بر اثر عارضه ی قلبی و بیماری ریوی در بیمارستان شهید رجایی تهران، برای همیشه دست جهان را فشرده. برای همیشه دردها، اندوه ها، رنج ها و گرفتاری های بی حسابش را تنها گذاشت و در زاد بومش زنجان تشییع و به خاک سپرده شد.» ( همان: ۴۴)

## آثار

### الف - آثار منظوم

#### ۱. حنجره ی زخمی تغزل

منزوی در سال ۱۳۵۰ « حنجره ی زخمی تغزل » را به چاپ رسانید. دفتر اول این کتاب، شامل بیست و دو غزل، که مضامین بیشتر آنها اجتماعی است. دفتر دوم آن نیز حاوی شعرهای آزاد است و در پایان دفتر سوم که در چاپ دوم این مجموعه، بدان اضافه شده است، حاوی هشت غزل، یک دوبیتی پیوسته، چند شعر آزاد و یک شعر بی وزن، چندرباعی و ترکیب بند. انتشارات آفرینش، در بهار ۱۳۸۰ به چاپ مجدد این مجموعه همت گماشت.

#### ۲. صفرخان

«یک شعر بلند نیمایی است که در سال ۱۳۵۸ انتشارات چکیده آن را منتشر کرده بود و اینک توسط موسسه ی فرهنگی - هنری یکتا رصد زنجان تجدید چاپ شده است.» ( کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۲)

#### ۳. با عشق در حوالی فاجعه

« این مجموعه غزل، در بردارنده ی یکصد غزل از حسین منزوی، و از جمله قوی ترین و بهترین مجموعه های اوست. چاپ اول آن در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات پازنگ وارد بازار شد که در کمترین زمان نایاب شد. زمانی که تئوری مرگ غزل، به عنوان قالب شعری، مطرح بود، منزوی با خلق شعرهای نابی در این قالب، غزل را وارد عرصه ی نوینی ساخت و موجب این انگاره شد که غزل، قالبی است برای همه ی اعصار. این مجموعه، پس از مرگ منزوی در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات پازنگ، در دو هزار و دویست نسخه، تجدید چاپ شد.» ( همان: ۳۴).

#### ۴. از شوکران و شکر

چاپ نخست این مجموعه در سال ۱۳۷۳ توسط انتشارات آفرینش وارد بازار شد که محتوی یکصد و چهل و پنج غزل است. غزل های این مجموعه که در موضوعات انقلابی، اجتماعی و عاشقانه هستند واز سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۶۷ سروده شده اند.

#### ۵. با سیاوش از آتش

«عنوان این مجموعه که برگرفته از داستان سیاوش است، برای شاعر بس عزیز است. این مجموعه در سال ۱۳۷۵ در انتشارات پازنگ منتشر شد. این کتاب سیصد و سی و چهار غزل از کتاب های حنجره زخمی تغزل، با عشق در حوالی فاجعه و از کهربا و کافور انتخاب شده است.» (همان : ۳۷)

#### ۶. از کهربا و کافور

این مجموعه شامل ۹۷ غزل است. شاعر این مجموعه را به کهربای سیمای پدر و کافور گیسوان مادرش پیشکش کرده که شامل دو بخش است و کتاب زمان آن را در سال ۱۳۷۷ با اندکی تصرف در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه، به چاپ رسانده است.

#### ۷. از ترمه و تغزل

برگزیده ی غزل ها و شعرهای نیمایی و سپید ( چاپ اول ۱۳۷۶ - روز بهان ) در ۳۰۰۰ نسخه به دخترش غزل تقدیم شده است. این گزیده، از روی مجموعه های حنجره ی زخمی تغزل - با عشق تاب می آورم، از شوکران و شکر، با عشق در حوالی فاجعه، همچنان از عشق، از کهربا و کافور و تیغ و ترمه، گزیده و فراهم آمده است.

#### ۸. به همین سادگی

مجموعه ی شعرهای سپید است از سال ۱۳۷۸ - ۱۳۴۸ که در بهار ۱۳۷۹ در انتشارات چی چی کا بندرعباس ( با همکاری محمد علی بهمنی ) منتشر شده است. این مجموعه شامل پنجاه قطعه شعر سپید است.

## ۹. با عشق تاب می آوریم

«مجموعه ی اشعار نیمایی است از سال ۱۳۷۸ - ۱۳۵۱ که در بهار ۱۳۷۹ در بندرعباس توسط انتشارات چی چی کا منتشر شده است. این مجموعه شامل ۲۴ قطعه شعر نیمایی است که خود شاعر برای هر قطعه عنوان خاصی تعیین کرده است.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۹)

## ۱۰. از خاموشی ها و فراموشی

شاعر این مجموعه را به زاد بوم و مردمانش، زنجان، تقدیم کرده است. این مجموعه در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات مهدیس زنجان در سه دفتر منتشر شد. دفتر اول ۸۶ غزل که عمده ی غزل های این مجموعه، در این کاغذین جامه و همچنان از عشق مکرراً چاپ و منتشر شده است. دفتر دوم آن نیز شامل چند مثنوی و مثنوی وار است. و دفتر سوم که شامل دو بیتی هاست.

## ۱۱. همچنان از عشق

این مجموعه ی شعر در ۱۳۸۳ توسط انتشارات آفرینش به چاپ رسید، این دفتر، شامل سه بخش عمده، که بخش نخست آن حاوی پنجاه غزل که عموماً در دفتر ( این کاغذین جامه ) به چاپ رسیده است. بخش دوم شامل شش مثنوی است. بخش سوم با عنوان دفتر دیگر شامل چهاره پاره ها و رباعی های منزوی است.

## ۱۲. این کاغذین جامه

این مجموعه شعر در بهار ۱۳۷۹ در سه هزار نسخه توسط انتشارات نغمه به چاپ رسید. نزدیک به پنج غزل از شصت غزل این مجموعه، نامکرر است و باقی آنها در هر دو مجموعه ی از خاموشی ها و فراموشی ها و همچنان از عشق، تکرار شده است. دفتر دوم این مجموعه شامل چند مثنوی و مثنوی وار است که در مجموعه های پیشین نیز آمده اند و دفتر سوم نیز شامل رباعی هایی است.

## ۱۳. تیغ و ترمه و تغزل

این مجموعه در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات آفرینش منتشر شد که شامل چند غزل، چهار پاره و رباعی است.

## ۱۴. فانوس های آفتابی

«شامل شعرهای مذهبی منزوی و در مدح و رثای چهارده معصوم (ع) و در ستایش و سوگ خاندان پیامبر (ص) که منزوی برای پرهیز از زهد فروشی، در زمان حیاتش اجازه ی چاپ آنها را نداد. این مجموعه بعد از فوت ایشان، توسط انتشارات صفوی در ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ به چاپ رسید.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۳)

#### ب- ترجمه ها

۱. ترجمه ی منظومه ی ترکی «حیدر بابا» ی استاد محمد حسین شهریار. «این اثر که در قالب شعر نیمایی از زبان ترکی به فارسی است، توسط انتشارات آفرینش در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید. منزوی در ترجمه ی این منظومه، هنرمندی خاصی از خود نشان داده است. در واقع می توان گفت بهترین و شاعرانه ترین ترجمه ای است که از این منظومه در دست است.» (همان: ۳۳)

#### ۲. تیغ زنگ زده

ترجمه ی هجده قطعه از افسانه های آذربایجان است. در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات آفرینش به چاپ رسید.

#### پ- آثار منثور

##### ۱. این ترک پارسی گوی

«کتابی است در تحلیل و بررسی شعر شهریار که دی ماه سال ۱۳۷۲ به همت انتشارات برگ چاپ شد.» (همان: ۳۵)

(

##### ۲. دیدار در متن یک شعر

مجموعه ای از مقالات حسین منزوی است که در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات آفرینش چاپ شد. این کتاب نشانگر توانمندی و اندیشه ی روشن و ذهن تحلیل گر و نقاد اوست.

۳. همچنین او مقدمه ای نوشته است بر دو مجموعه شعر "آتش در نيزار" و "مه در محاق" از مهوش یزدانی که توسط انتشارات دارالهدی در سال ۱۳۸۳ منتشر شد.